

پیش بینی و تبیین رابطه بین عوامل دینداری با راهبردهای نوین یاددهی - یادگیری

حسنعلی بختیار نصرآبادی*

رضا علی نوروزی**

کمال نصرتی هشی***

امین چراغیان رادی****

زینب رضایی*****

دریافت مقاله: ۹۲/۳/۱۹

پذیرش نهایی: ۹۲/۹/۱۹

چکیده

هدف این پژوهش، ارتباط عوامل دینی با روشهای نوین یاددهی - یادگیری و میزان اثرگذاری این روشها بر عوامل تدین است. به منظور بررسی ارتباط راهبردهای یاددهی با عوامل دینی از شیوه تحقیقات "توصیفی" از نوع "همبستگی" استفاده شد. جامعه پژوهش شامل دانش آموزان دبیرستانهای شهر اصفهان است که در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ مطابق آمار آموزش و پرورش در حد ۱۴۰۲۵۰ نفر بوده‌اند که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای ۲۴۵ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. جمع آوری اطلاعات با پرسشنامه محقق ساخته با پایایی ۰/۸۶ و روایی مورد تأیید استادان و کارشناسان انجام، و به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار Spss16 استفاده شد. بررسی رگرسیون و آماره های استنباطی نشان داد که پیش‌بینی عوامل از طریق راهبردهای یاددهی، امکانپذیر است به این صورت که راهبردهای اجتماعی برای عامل اعتقادی و راهبردهای فردی و پردازشی در الزام درونی و اجرای رفتار دینی بهتر جواب می‌دهد و سه راهبرد فردی، اجتماعی و پردازشی به طور هماهنگ در الزام عملی مؤثرتر است. البته عوامل خانوادگی و نهادهای اجتماعی به عنوان عوامل زمینه ساز، عمل می‌کند و می‌تواند در به‌کارگیری و اثربخشی راهبردها در اجرای رفتار دینی، کارساز باشد.

کلید واژه‌ها: عوامل دینی، روشهای نوین یاددهی - یادگیری، تجربه درونی، الزام درونی.

h.nasrabadi@gmail.com

* دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

nowrozi.r@gmail.com

** استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

*** دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان

kamalnorsrati1367@yahoo.com

amin_radi1390@yahoo.com

**** کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی دانشگاه اصفهان

amin_radi90@gmail.com

***** کارشناس ارشد مشاوره شغلی دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

مقدمه

در حال حاضر، که بشر با گسترش پدیده جهانی شدن رو به رو است، پیامدهای فرهنگی آن تمام کشورها را به نوعی تحت تأثیر قرار داده که مسئولان فرهنگی را کم و بیش با سؤالاتی اساسی و بنیادی در گستره‌های مختلف رو به رو ساخته است. سؤالاتی که طراحی پاسخهای مناسب برای آن می‌تواند، کشور ما را در جهت سازگاری با فضای واحد جهانی کمک کند. در این بین انتخاب رویکرد تربیت دینی متناسب با وضعیت جهانی شدن از مهمترین سؤالات مربوط به حوزه تعلیم و تربیت است که با آن روبه رو هستیم (شمشیری، ۱۳۸۷: ۷۰ تا ۵۳). در رویکرد دینی، انسان همواره نیازمند دستیابی به تکیه گاه و کانونی است که ضمن پاسخگویی به نیازهای درونی به او آرامش بخشد. دین و باور به خدا، نیازی متفاوتی و روانشناختی است که قدرت عظیم و بی‌پایانی به انسان می‌بخشد و در بحرانهای فکری و تشنه و فراز و نشیبهای حیات، یاری کننده وی و قادر است او را به ساحل نجات رهنمون سازد؛ لذا تربیت دینی از ضروریات جامعه انسانی است. تربیت دینی، عاملی است که براساس معیارها و مفاهیم دینی شکل می‌گیرد (رهنما و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۴ - ۴۳). تربیت دینی به معنای فعالیتهای نظام مند و برنامه ریزی شده نهادهای آموزشی جامعه به شمار می‌آید به گونه‌ای که این برنامه ریزیها در عمل نیز به آن پایبند است (داوودی، ۱۳۸۶: ۱۶).

عامل تدین و عمل به واجبات در چهار عامل اعتقادی، تجربه، الزام درونی و عمل صورت می‌گیرد. در جنبه های اعتقادی تفکر، اندیشه و شناخت دینی مهم است. در مقوله تجربه، عشق و محبت خدا و دوست داشتن دین، ضرورت می‌یابد و در تجربه درونی، انتخاب و گزینش و ایمان، نقش اساسی را به عهده دارد و در عامل عمل، اعتقاد، عشق و انتخاب را تحقق می‌بخشد و در بوته عمل می‌نشیند و فرد به تکالیف دینی عمل می‌کند (باقری، ۱۳۸۰: ۴۲). در عامل اعتقادی، نوجوانان باید تقید و شناخت خاصی نسبت به جهان پیدا کنند که این تقید در اعتقاد به وجود و یگانگی خداوند، اعتقاد به معاد، نبوت و نظیر آنها به وجود می‌آید. در این عامل، ملاحظات درونی ایجاب می‌کند که فرد، مسائل اعتقادی را بفهمد و نسبت به آنها متقاعد شود. در دنیای امروز، مسلماً با گسترش شبکه اطلاعاتی و شبهه افکنی، صورت بندی عقاید بسیار پیچیده و مشکل است و این امر به کار فکری و آموزشی زیادی نیاز دارد. در اندیشه دینی عنصر مهم در تجربه درونی، عاطفه است و مفاهیمی مانند رجاء، خوف، توکل و دعا با پیوند به مبدأ آفرینش مهم می‌شود و تماماً بار

عاطفی می‌یابد. محبت نسبت به اجرای رفتار و تکالیف دینی، انجام دادن عمل دینی را برای فرد انگیزه ساز می‌کند و اگر فردی احساس عاطفی نسبت به خداوند و آنچه او دوست دارد، نداشته باشد، اصولاً نمی‌تواند با شناخت و ادراک دینی، متدین شود و ایمان خود را رشد دهد. در الزام درونی، انتخاب نسبت به گزینه‌های مذهبی و پایبندی نسبت به آنها مهم است. یکی از لوازم متدین شدن ظهور و بروز این ویژگی در درون انسان است؛ یعنی فرد نسبت به خدا و آنچه در ارتباط با اوست، الزام درونی داشته باشد. این عنصر با ایمان یکی است چون در ایمان هم عنصر گزینش و انتخاب وجود دارد و هم رغبت به انجام عمل زیاد است. در عامل عمل فرد مذهبی باید رفتار خاصی را انجام دهد که این اعمال شامل عمل به واجبات، پرهیز از محرمات و اعمال فردی و اجتماعی مطابق مذهب است و پایبندی به این رفتار در تمام طول زندگی تداوم می‌یابد (باقری، ۱۳۸۴: ۴۵).

بنابراین، تدین و عمل به تکالیف دینی در ارتباطی از انواع مسائل شکل می‌گیرد؛ مثلاً اعتقادات دینی، تجربه درونی در ارتباط با خدا، الزام درونی نسبت به دستور خدا و عمل به مقتضیات آن، باید در بستر تبیین، عرضه معیارها، تحرک درونی و نقادی جریان یابد که برای فراهم کردن آن به بررسی‌های شناختی و انگیزشی نیاز است (بختیار نصرآبادی و نوروزی، ۱۳۸۲: ۳۰)؛ بررسی‌هایی که در مقابل چالش قرن حاضر، که ساختارزدایی از ویژگی‌های آن است با تبیین عقلانی در عرصه‌های مختلف اعتقادات، اخلاق، عبادات و احکام دینی، فهم صحیح را به جوانان عرضه نمود و با تقوای حضور و ارزیابی، همراه با گزینش و طرح زمینه‌ها، عمل به دین زمینه رشد باورهای دینی و تدین را در فرد فراهم کرد. به این دلیل برنامه ریزی در جهت آموزه‌ها و مفاهیم دینی و سعی در جهت پرورش دانش آموزان به گونه‌ای که موجب برانگیختن انگیزه‌های درونی و بیرونی آنان شود، گامی مؤثر در راستای رشد و اعتلای باورهای مذهبی آنان است. تعامل نزدیک معلم و دانش‌آموز و درک صحیح دستورهای دینی، اعتماد و حمایت لازم را به دنبال دارد؛ لذا یکی از وظایف اصلی مربیان، مراقبت از بافت شناختی - عاطفی دانش‌آموزان است. که باید در راهبردهای آموزشی به دانش‌آموزان کمک شود تا ارزشهای اخلاقی و حالات عاطفی خود را رشد دهند تا عشق الهی در آنان رشد کند. امروزه این دیدگاه برتر در مدارس هست که مدرسه محیط شناختی عاطفی برای افراد فراهم می‌سازد و دانش‌آموزان از بودن در آن لذت می‌برند و این مسئله، اثر یاددهی - یادگیری را مضاعف می‌کند (بختیار نصرآبادی و نوروزی، ۱۳۸۲: ۳۵).

یکی دیگر از عواملی که در تدین نوجوانان موثر است، ویژگیهای شخصیتی آنهاست. انسان از زمان تولد تا بزرگسالی مراحل مختلفی را طی می‌کند. شاید مهمترین و حساسترین دوران زندگی، مرحله نوجوانی باشد. این دوران همراه با تغییرات و دگرگونیهایی است که در هیچ مرحله دیگر وجود ندارد (معمدی، ۱۳۷۳: ۱۳۵). از سوی دیگر، دوره نوجوانی مرحله ای میان کودکی و بزرگسالی است و با ویژگیهایی چون ظهور قدرت تفکر انتزاعی، استدلالی شدن ذهن، سرپیچی از بزرگترها، سلطه جویی، استقلال طلبی و تأثیرپذیری بسیار زیاد از همسالان شناخته می‌شود (برگ^۱، ۱۹۹۲: ۳).

تغییر و نوآوری از ویژگیهای منحصر به فرد هزاره سوم در ارتباط با تدین جوانان است. جهان امروز با شتابی فوق العاده در حال دگرگونی است؛ به همین دلیل، عصر حاضر دوران نوجویی و نوآوری است. در مدیریت تغییرات سیستم های تربیتی و اجتماعی همزمان با تحولات جامعه به بازسازی نیاز دارند. در این میان فرایند تربیت دینی نیز باید بتواند جوابگوی نیاز مخاطبان خود باشد؛ بنابراین، این امر بازنگری و نوآوری در شیوه و روشهای تربیت دینی را ضروری می‌کند. اگر تربیت دینی بتواند از نظر محتوا، اجرا و روشها با نیازهای جدید کودکان و نوجوانان منطبق شود و با خود نوآوری و تازگی به همراه داشته باشد، گام مؤثری برای جذب نسل جوان، دینداری و دین برداشته است (تقوی نسب و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۵ تا ۲۵). مخاطبان تربیت دینی در نظام آموزشی بشدت تنوع طلب و نوگرا هستند و شیوه‌های قدیمی و روشهای تکراری، جوابگوی نیازهای آنان نیست (علیخانی، ۱۳۸۲: ۱۶۳). به لحاظ روانشناختی نیز نوجوانان ارزش بسیاری را برای تغییر، دگرگونی و حرکت قائل شده و از سکون متنفرند و در مقابل به تغییرات علاقه مند هستند (سیلور^۲، ۱۳۸۰: ۲۰۴). ناهماهنگی بین تربیت دینی و ویژگیهای روحی و روانی نسل جدید می‌تواند چالشهایی را در این مسیر ایجاد کند؛ بنابراین برای برطرف کردن این موانع و کیفیت بخشی به تربیت دینی باید با شناخت زمان و نیازهای آن به سوی روشهای نوین گام برداشت. نتیجه مطالعات نشان می‌دهد که شاگردان امروز با گذشته خیلی فرق کرده‌اند. امروز، دانش آموزان نوگرا، تنوع طلب و علاقه مند به روشهای نوین و مدرن هستند و دوست دارند که مطالب و محتوای دینی را در قالبی نو، فعال و پر جنب و جوش و با ابزارها و روشهای جدید بیاموزند. تفکر در این مبانی ایجاب

1 - Berg

2 - Silver

می‌کند که تربیت دینی در قرن بیست و یکم به گونه‌ای اعمال شود که در مقابل چالشهای موجود به بهترین شکل مخاطبان را جذب کند (تقوی نسب و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۵ تا ۲۵) که این مسئله توجه به روشهای نوین یاددهی - یادگیری را مضاعف می‌کند.

روشهای نوین یاددهی - یادگیری به چهار دسته رفتاری، اجتماعی، فردی و پردازشی تقسیم می‌شود. الگوهای تدریس فردی به عملکردهایی اشاره دارد که یک یا چند فرض ذیل را بپذیرد: اول هدایت دانش آموزان به سلامت عاطفی و عقلی به صورتی که بیشتر با رشد خودپنداره، واقعگرایی و اعتماد به نفس و ابراز واکنشهای همدردانه به دیگران ممکن است. دوم، افزایش قسمتی از آموزش که از نیازها و آرزوهای خود دانش آموز نشأت می‌گیرد و هر دانش آموزی را در مقابل یادگیری و تصمیم‌گیری درباره کیفیت یادگیری خویش قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر به دانش آموزان می‌آموزند تا مسئول یادگیری خود شوند. سوم، ایجاد نوع خاصی از تفکرات کیفی مثل خلاقیت و ابراز فردی (جویس و همکاران، ۲۰۰۴: ۲۵۰ ترجمه بهرنگی، ۱۳۸۹). الگوهای پردازشی با چالش افکنی، رشد تفکر را به دنبال دارد. این الگوها از منابع گوناگونی از قبیل بررسی تفکر، نظریه‌های یادگیری، رشته‌های تحصیلی و بررسیهای رشدی نیروی عقل انسان نشأت گرفته است. الگوهای اجتماعی علاوه بر توجه به ماهیت اجتماعی، به چگونگی یادگیری رفتار اجتماعی و چگونگی افزایش یادگیری تحصیلی بر حسب تعاملات اجتماعی تأکید دارد. در این الگوها عقیده این است که رفتار همراه با همکاری، برانگیزاننده عقل و رفتار اجتماعی است. بنابراین می‌توان برای تقویت عوامل دینی، وظایف و تکالیف لازمه تعامل اجتماعی را طراحی کرد. در این الگو، کاوشگری اجتماعی و ایفای نقش را می‌توان برای همه شاگردان در هر سنی به کار برد و الگوهای کاوشگری به شیوه محکم قضایی و خط مشی‌های اجتماعی برای بزرگسالان مفید است. الگوهای رفتاری بر اساس شیوه‌های رفتارگرایی بنا نهاده شده است که شامل روشهای یادگیری تسلط یاب، آموزش مستقیم و یادگیری از شبیه‌سازها است (جویس و همکاران، ۲۰۰۴: ۲۵۶، ترجمه بهرنگی، ۱۳۸۹) که از این روشها، می‌توان در یادگیری تدین استفاده کرد.

میلر گلاسن، هایدت و آرنولد معتقدند که رشد دینی و عمل به تکالیف دینی در فرهنگهای مختلف محتوا و معانی گوناگون، و با مبنای اعتقادی آنان ارتباط دارد. در مبنای اعتقادی جنبه تفکر، شناخت و فهم مسائل دینی مهم است و راهبردهای یاددهی - یادگیری در این زمینه نقش مهمی دارد. فهم دینی و اهتمام در جهت تربیت معنوی دانش آموزان در مقایسه با انتقال مجموعه‌ای

از دانشها، آگاهیها و مهارتها از ظرافت و حساسیت بسیار زیادی برخوردار است (آرنولد^۱، ۱۹۹۸، میلر^۲، ۱۹۹۵).

در این پژوهش بر تحقیقات و خلاصه‌ای از نتایجی مرور شده که در این زمینه در داخل و خارج از کشور به دست آمده که در برگیرنده رابطه بین عامل دینداری با راهبردهای نوین یاددهی - یادگیری است و در ذیل بدان اشاره می‌شود:

شریف زاده (۱۳۹۱) در پژوهشی بیان می‌کند که تلویزیون تأثیرات مثبت و منفی بر کودکان دارد و از طریق تلویزیون می‌توان با استفاده از شیوه‌های اعطای بینش، اسوه‌سازی، تلقین و القا، آراستن ظاهر و تزئین کلام در جهت تربیت دینی کودکان گام برداشت. هم‌چنین با بهره‌گیری از روشهای تربیت اسلامی در ارکان ارتباط مانند مقبولیت فرستنده و شناخت دقیق مخاطب و ایجاد جذابیت در پیام، می‌توان تأثیر مثبت ایجاد کرد.

تقوی نسب و میرشاه جعفری (۱۳۸۸) اذعان می‌کنند که در کشور ما ضرورت تربیت دینی به عنوان وظیفه مهم و اصلی آموزش و پرورش مورد پذیرش است. بنابراین، باید تلاش کرد تا با شیوه‌ها و روشهای موجود به این فرایند کیفیت بخشید و آن را بهتر و زیباتر به نسل جوان عرضه کرد. نوآوری در تربیت دینی از جمله اموری است که این مسیر را هموار می‌سازد و اشتراک عوامل نوآوری و تربیت دینی را در بعد فکری و ویژگیهای شخصیتی مورد تأکید قرار داد و ثابت کرد که مبنای فکری نوآوری و تربیت دینی با هم همخوانی و تطابق دارد.

در پژوهشی که شاه محمدی (۱۳۷۹)، تحت عنوان بررسی تأثیر آموزشهای برنامه‌های تلویزیونی، خاص نوجوانان بر روی ارزشهای دینی آنان، انجام داد به بررسی ارزشهای دینی در سه بعد اخلاق، عقاید و احکام، پرداخت و به این نتیجه رسید که از طریق برنامه‌های خاص تولیدی مانند برنامه نیمرخ می‌توان پابندی دینی نوجوانان را افزایش داد؛ هم‌چنین کسانی که اعتبار منبع پیام را مثبت ارزیابی کرده بودند، ارزشهای دینی بیشتری را از طریق این برنامه‌ها کسب کرده‌اند.

حنیفر (۱۳۸۰) در تحقیقات و پژوهشهای خود به این نکته اشاره می‌کند که ما در تربیت دینی تنها برخی روشهای سنتی و معین را به رسمیت می‌شناسیم اما در کشورهای دیگر از تمامی امکانات مانند فیلم، کارتون، نقاشی، گرافیک و در یک جمله هنر در شیوه‌های تربیتی استفاده

1 - Arnold

2 - Miller

می‌شود در صورتی که ما به جای استفاده از بهترین شیوه‌های تربیت دینی، آن را در سخنرانی و روشهای تکراری و خسته کننده خلاصه کرده ایم. امروزه دانش آموزان ما، نوگرا، تنوع طلب و علاقه مند به روشهای نوین و مدرن هستند و دوست دارند مطالب و محتوای دینی را در قالب نو، فعال، پرجنب و جوش و با ابزارها و روشهای جدید بیاموزند. سازگار ساختن شیوه‌های آموزش با اصول و روشهای نوین آموزشی و روانشناختی اسلامی و بهره گیری از فناوری پیشرفته در تربیت دینی از راهکارهای مهم در جهت رفع آسیبهای آموزشی است.

سعیدی رضوی (۱۳۸۰) در پژوهش خود تحت عنوان تبیین برنامه درسی پنهان در درس بینش اسلامی در دوره متوسطه و عرضه راهبردهایی برای استفاده از این برنامه در آموزش اثربخش دینی به این نتایج دست یافت که تجربه فراگیری درس بینش اسلامی نه تنها موجب نگرش مثبت به این درس نشده است بلکه در دانش آموزان نگرش منفی ایجاد کرده است. شاطریان و عینی (۱۳۸۵) در پژوهش خود به بررسی فراتحلیل عوامل مؤثر بر موقعیت دبیران دینی در جلب علاقه مندی دانش آموزان به این درس به این نتیجه دست یافتند که پیروی از روشهای قدیمی و سنتی مانند سخنرانی بدون توجه به سطح فرهنگی جامعه نتیجه ای نخواهد داشت؛ لذا در شیوه‌های تربیت دینی باید بازنگری صورت گیرد و از روشهای فعال، جذاب و شوق برانگیز استفاده کرد. بنابراین فعال نمودن گروه‌های آموزش دینی و ایجاد روند پویا، فعال و مستمر به منظور تزیق روش و فنون جدید تدریس از ضروریات است.

امامی ریزی و همکاران (۲۰۱۳) در مقاله ای با عنوان بررسی تأثیر استفاده از روش تدریس فعال بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در بعد عقاید دینی اذعان کردند که میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزانی که از روش تدریس فعال آموزش دیدن نسبت به دانش آموزانی بیشتر بود که از روش غیره فعال بهره‌مند شده‌اند.

غلامی و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی تحت عنوان بررسی میزان اثر بخشی روش تدریس فعال در آموزش مذهبی و اخلاقی در به رسمیت شناختن جنبه‌های عاطفی و رفتاری دانش آموزان در مدارس به این نتیجه دست یافت که روشهای تدریس فعال در آموزش مذهبی و اخلاقی در جنبه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری دانش آموزان تأثیر گذار بوده است.

هم^۱ و ایگویی زابل^۲ (۲۰۱۰) در پژوهش خود، که هدف آن مطالعه و بررسی ارتباط بین سبکهای یادگیری و انگیزه های مذهبی در میان نوجوانان کره ای که در کلیسای پروتستان به دنیا آمده بوده اند به این نتایج دست یافتند که سبک یادگیری غالب نوجوانان کره ای کلیسای پروتستان واگرا بود و نیز هم چنین سبکهای یادگیری با سن، جنس و مدت زمانی ارتباط داشت که مسیحی شده بودند و با توجه به یافته ها به عرضه این پیشنهادها پرداختند: ۱. ترویج یادگیری جامع ۲. ترویج آموزش به صورت دانش آموز محور ۳. توسعه روشهای مختلف تدریس ۴. ایجاد انگیزه در نوجوانان برای شرکت در فعالیتهای مختلف کلیسا ۵. تاکید بر کار روح القدس.

انانیمیس^۳ (۲۰۱۰) بیان می کند که روشهای فعلی آموزش قرآنی مستلزم تعامل مستقیم دانش آموز و معلم است و نیاز به تعامل چهره به چهره بین معلم و دانش آموز دارد که آموزش قرآن شامل این روشهاست: ۱. گوش دادن ۲. قرائت کردن ۳. تکرار قرائت و تصحیح بین معلم و دانش آموز است.

هلت^۴ (۲۰۱۰) اثری تحت عنوان تجزیه و تحلیل تئوریهای یادگیری بزرگسالان معاصر و کاربرد آن برای آموزش در کلیسای محلی برای بلوغ معنوی انجام داد که در این مطالعه در حوزه یادگیری از طبقه بندی بلوم و سپس از دستورهای کتاب مقدس و نظریه های یادگیری بزرگسالان معاصر استفاده شد و به این نتیجه رسید که حوزه های مربوط به یادگیری (شناختی، عاطفی، رفتاری) به طور مستقیم و همراه با دوست داشتن خداوند با تمام وجود ارتباط دارد و در نتیجه مهمترین حوزه ها برای آموزش و پرورش و مذهب، تغییر ساختار عمیق احساسات و انگیزه های قلب مؤمن است که این امر برای یادگیری به دوست داشتن خداوند با تمام وجود مرتبط می شود.

هودج^۵ و درزتس^۶ (۲۰۰۸) در تحقیقی به این نتایج دست یافتند که ادغام محتوای معنوی در برنامه های درسی در دهه گذشته به طور چشمگیری شتاب گرفته ولی با وجود این بحثهای کمی در رابطه با بهترین روشهای آموزشی مناسب برای آموزش معنویت ظاهر گشته است. انتخاب یک رویکرد جدید آموزشی، نشان می دهد که برخی از محتوای معنوی با استفاده از استراتژیهای

- 1 - Ham
- 2 - Eguizabal
- 3 - Anonymous
- 4 - Holt
- 5 - Hodge
- 6 - Derezotes

آموزشی برگرفته از مدرنیسم در حالی که جنبه های دیگر آن متناسب با استراتژیهای برگرفته از پست مدرن تدریس می شود و در نتیجه اجزای قابل توجهی از محتوای معنوی ممکن است با استفاده از استراتژیهای پست مدرن غیر سنتی آموزشی تدریس شود که احتمال دارد برای برخی از خوانندگان بحث برانگیز باشد.

گریفین^۱ و کلسی^۲ (۲۰۰۱)، پژوهشی با عنوان برنامه های مبتنی بر راهکارها برای رشد معنوی نوجوانان به عنوان یکی از عوامل آشکار معنوی انجام داده اند. تأثیرات این راهکارها در برنامه های مبتنی بر کارهایی مثل مسابقات کوله پشتی، قایقرانی و مسابقات چالش برانگیز مورد بررسی قرار گرفت و در این پژوهش رشد معنوی را با ترکیبی از روشهای کمی و کیفی مورد ارزیابی قرار دادند و نتایج نشان داد که رشد معنوی به عنوان یک نتیجه از آموزشهای مذهبی برای فعالیتهای چالش برانگیز و گروهی تأثیر مثبتی دارد.

تحقیقات هندرسون^۳ (۲۰۰۳) نشان می دهد که ایجاد انگیزه درونی در فراگیر، نقطه آغاز در هر نوع یادگیری است و یادگیری مؤثر نیز می تواند افزایش دهنده انگیزه درونی باشد. در قرآن کریم بارها با استفاده از روشهای مختلف و با انگیزه های متفاوت سعی شده است که افراد را به دین و فراگیری آن فرا خواند؛ چون انواع شخصیت ها، انگیزه های متفاوت را می طلبند؛ لذا عرضه پاداش در قرآن برای بعضی استفاده از میوه های بهشتی، و برای عده ای قرب الهی است. توجه به این امر نشان می دهد که در ارتباط با ایجاد انگیزه، باید روشهای مختلفی را مورد نظر قرار داد. براناس^۴ (۲۰۰۳) بر این باور است که بازیهای آموزشی در مدارس در آموزش دین به دانش آموزان نقش مهمی دارد؛ زیرا فرصتی با ارزش را در فعالیتهای مذهبی ایفا می کند.

تحقیقات مک سکس^۵ (۲۰۰۴) در ایالت متحده نشان می دهد که آموزش فعال و استفاده از تمرینهای متفاوت، دوره های آموزش دینی را به عنوان روندی مؤثر، توصیف می کند که بازتاب آن در نظر گرفتن تفاوت های فردی و اجتماعی فراگیران است که این تفاوتها در آموزش سنتی دیده نمی شود و امروزه در فرهنگ جوامع با موقعیتهای اقتصادی، سیاسی و مذهبی، انعکاس می یابد.

1 - Griffin

2 - Kelsey

3 - Henderson

4 - Branas

5 - Mcsekky

با توجه به بررسیها و تحقیقات، می‌توان به این نتیجه رسید که تدین و عمل به تکالیف دینی در رابطه با انواعی از مسائل و روشها شکل می‌گیرد و به عبارت دیگر اعتقادات دینی، تجربه درونی در ارتباط با خدا، الزام درونی نسبت به دستور خدا و عمل به مقتضیات آن باید در بستر تبیین، عرضه معیارها، تحرک درونی و نقادی و روشهای نو، جریان یابد که برای فراهم کردن آن نیازمند بررسیهای شناختی ویژه‌ای هستیم؛ بررسیهایی که بتواند در مقابل چالش قرن بیست و یکم، که ساختار زدایی از ویژگیهای آن است با تبیین عقلانی و با شیوه‌های آموزش نوین در عرصه‌های مختلف، اعتقادات، اخلاق و عبادات و احکام دینی، فهم صحیح را به جوانان عرضه کند.

بنابراین نگارندگان با توجه به این بحث و اهمیت مسئله و هم‌چنین به دلیل اینکه تحقیقات جامعی در این زمینه صورت نگرفته است به دنبال این مسئله هستند که رابطه شیوه‌های نوین یاددهی - یادگیری را با تدین، مشخص کنند تا با رسیدن به نتایج این تحقیق در روند تعلیم و تربیت فراگیران کارساز شود و هم‌چنین امید است که این تحقیق سرآغازی باشد برای تحقیقات بیشتر و وسیعتر در این زمینه؛ چرا که کشوری که ما در آن زندگی می‌کنیم، کشور اسلامی هست و نیاز و توجه اساسی به رویکردها و روشهای تربیتی نوین را به همراه دارد. روشهای نوین به چهار گروه پردازشی، فردی، اجتماعی و نمایشی تقسیم شده است که در گروه پردازشی با چالش افکنی، رشد تفکر را به دنبال دارند؛ گروه خانواده فردی که بیشتر به دنبال تغییر رفتارهای فردی افراد با توجه به یادداشتها و بازخوردهای مناسب است؛ گروه اجتماعی که بیشتر به همکوشی و فعالیت اجتماعی افراد وابسته است و روشهای نمایشی که بیشتر با الگو برداری و عرضه الگو همراه است؛ به عبارت دیگر، هدف اصلی مقاله این است که رابطه راهبردهای یاددهی - یادگیری در پایبندی نوجوانان به اجرای تکالیف دینی را نشان دهد که در جهت پاسخگویی به سؤالات ذیل است:

۱- وضعیت موجود دانش آموزان دبیرستانهای شهر اصفهان در عوامل تدین چگونه است؟

۲- ارتباط و میزان اثرگذاری راهبردهای یاددهی - یادگیری بر عوامل تدین چگونه است؟

روش تحقیق

پژوهشگر با توجه به ماهیت موضوع و اهداف طرح، به دنبال توصیف عینی، واقعی و منظم موقعیت مذهبی جوانان به همراه کشف نقش انگیزه‌ها و باورها و راهبردهای نوین یاددهی -

یادگیری مؤثر در تدین نوجوانان است و لذا روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه این پژوهش شامل دانش آموزان دبیرستانهای شهر اصفهان هستند که در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ (پنج ناحیه) مشغول به تحصیل، و ۱۴۰۲۵ نفر بوده‌اند که از این تعداد با توجه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از هر ناحیه مورد نظر (که شامل ۲۸۰۵ نفر هستند) ۴۹ نفر تصادفی انتخاب شدند که در مجموع ۲۴۵ نفر از پنج ناحیه (۱۲۵ نفر پسر و ۱۲۰ نفر دختر) به عنوان حجم نمونه تعیین شدند که پرسشنامه بین آنها توزیع شد.

در این پژوهش از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد به این صورت که پژوهشگر برای استفاده از تجربه معلمان با هر یک حضوری مصاحبه کرده است و متناسب با وضعیت، اهداف و سؤالات پژوهش از مصاحبه شونده‌گان اطلاعات لازم را دریافت کرد و سپس از ابزار پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه این پژوهش چهار مقوله و ۳۵ سؤال دارد که مقوله اول، پردازشی، مقوله دوم، نمایشی، مقوله سوم، اجتماعی و مقوله چهارم، فردی را می‌سنجد. برای ساختن این پرسشنامه از نشانگرهایی استفاده شد که توسط متخصصان در طی مصاحبه‌ها بیان شده است؛ هم چنین منابع مربوط به موضوع مطالعه و نشانگرهای مناسب از این منابع استخراج گردید. پرسشنامه‌های مربوط به اعتقادات دینی نیز مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر مواردی که به نظر پژوهشگر یا استادان محترم به موضوع اعتقادات دینی ارتباط داشت، نیز جمع‌آوری شد و پس از ایجاد یک بانک سؤال، که شامل تعداد زیادی گویه مربوط به موضوع مورد مطالعه بود با بررسی‌های لازم تعدادی از سؤالات انتخاب شد و به صورت پرسشنامه درآمد. سپس در پرسشنامه از پاسخگویان خواسته شد تا نظر خود را درباره هر سؤال بر مبنای مقیاس پنج درجه‌ای مشخص کنند و برای هر یک از گزینه‌ها وزنی از ۱ تا ۵ بر مبنای مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت تنظیم شد.

علاوه بر این به دلیل بررسی وضعیت مذهبی گروه نمونه، چک لیستی در مورد عامل دین ساخته شد که در آن، چهار عامل اعتقاد، تجربه درونی، الزام درونی و عمل به احکام اسلامی سنجیده شد و پس از اطمینان لازم از صحت ابزار به بررسی روایی و پایایی آن پرداخته شد.

برای برآورد روایی پرسشنامه این پژوهش، پژوهشگر ابتدا با توجه به شاخصهای مورد نظر پژوهشگران و استادان، بازنگریهای روایی محتوایی و صوری پرسشنامه تعیین شد. برای مشخص نمودن پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که در حد ۰/۸۶ برای ضریب پایایی کل پرسشنامه برآورد گردید که این مقدار، نشانه پایایی زیاد ابزار مورد استفاده است؛

هم‌چنین، ضریب پایایی حیطه های پرسشنامه جداگانه محاسبه شد که براساس تجزیه و تحلیل‌های آماری از ۰/۸۳ تا ۰/۹۳، در نوسان بود. در چک لیست سنجش وضعیت دینی پایایی ۰/۷۳ و روایی در حد قابل قبول صاحب‌نظران برآورده شد که اعداد ۰/۸۶ و ۰/۷۸ به دست آمد.

تحلیل داده‌ها

۱) وضعیت موجود دانش آموزان دبیرستانهای شهر اصفهان در عامل تدین چگونه است؟ در این قسمت چهار عامل اعتقادی، تجربه، الزام درونی و عمل مورد بررسی قرار گرفته است که به ترتیب به آنها اشاره می‌شود:

الف) عامل اعتقادی

جدول ۱ - بررسی سطوح اعتقادی افراد نمونه به تفکیک دختر و پسر (آزمون خی دو)

سطوح معناداری	می‌تواند مفاهیم مذهبی را مقایسه و ارزیابی کند.		عناصر هر پدیده دینی را تشخیص می‌دهد.		آنها را به صورت قانون در عمل به کار می‌برد.		می‌تواند مسائل دینی را فهمیده باشد.		آموزه‌های دینی را سطحی می‌داند.		سطوح یادگیری
	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	
میانگین	۰/۷۶	۲/۸۰	۲/۱۱	۱/۸۳	۲/۰۰	۲/۲۵	۱/۷۸	۲/۶۴	۱/۸۹	۲/۰۳	۲/۶۷
انحراف استاندارد	۰/۰۳	۱/۰۸	۱/۵۴	۱/۱۶	۱/۴۱	۱/۱۳	۱/۲۰	۱/۳۱	۱/۳۶	۱/۰۸	۱/۱۲

ب) تجربه درونی

عامل تجربه درونی شامل علاقه، محبت، عشق و چگونگی رابطه با دین و شرکت در مراسم دینی است. در اینجا بر اساس میزان تحقق تجربه و الزام درونی به پنج سطح تقسیم می‌شود که در جدول ۲ می‌آید:

جدول ۲ - بررسی عامل تجربه درونی

سطوح	به دعا و مجالس علاقه کمی دارد.	علاقه او چندان قوی نیست ولی شرکت می کند.	خیلی مقید است و دعا و ارتباط با خدا را دوست دارد.	بسیار خوب با خدا رابطه برقرار می کند و اعمال را دوست دارد.	با تمام وجود به دین علاقه دارد و ارزشها را او مهم است.	میانگین	میانگین
						۵/۲	۵/۳
تعداد	ضعیف	متوسط	خوب	خیلی خوب	عالی		
۲۴۵	۹۷	۵۸	۴۴	۲۲	۲۴		
%۱۰۰	%۳۸	%۲۷	%۱۷	%۹	%۹		

نتایج جدول شماره (۲) نشان می دهد که دیدگاه بیشتر دانش آموزان به سمت وضعیت ضعیف (%۳۸) و متوسط (%۲۷) است که تا حد مطلوب فاصله زیاد دارد؛ به عبارت دیگر میزان تحقق تجربه دینی بین دانش آموزان رضایت بخش و قابل قبول نیست.

ج) الزام درونی

عامل الزام درونی شامل علاقه مندی و عشق در انتخاب و گزینش مجالس و محافل دینی و شرکت در این مراسم است. در اینجا بر اساس میزان تحقق الزام درونی به پنج سطح تقسیم می شود که در جدول زیر می آید:

جدول ۳ - بررسی عامل الزام درونی

سطوح	به دعا و مجالس ایمان کمی دارد و آن را انتخاب نمی کند.	ایمان او چندان قوی نیست ولی انتخاب و شرکت می کند.	خیلی مقید است و دعا و ارتباط با خدا را بر می گزیند.	بسیار خوب با خدا رابطه برقرار می کند و اعمال را دوست دارد و بر می گزیند.	با تمام وجود به دین ایمان دارد و ارزشها را انتخاب می کند.	میانگین	میانگین
						۶/۲	۵/۳
تعداد	ضعیف	متوسط	خوب	خیلی خوب	عالی		
۲۴۵	۹۵	۵۷	۴۴	۲۴	۲۵		
%۱۰۰	%۳۷	%۲۶	%۱۷	%۱۱	%۹		

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که دیدگاه بیشتر دانش آموزان به سمت وضعیت ضعیف (۳۷٪) و متوسط (۲۶٪) است که تا حد مطلوب فاصله زیاد دارد؛ به عبارت دیگر میزان تحقق الزام دینی بین دانش آموزان رضایت بخش و قابل قبول نیست.

د) عامل عمل

این عامل به میزان تقید عملی می‌پردازد که با شاخصهای قابل اندازه گیری مشخص شده است.

جدول ۴ - بررسی عامل عمل: میانگین میزان تحقق مقوله‌های نگرش (آزمون خی دو)

عناوین	اجرای احکام	ادای واجب	واجبات را	واجبات	انجام دادن	انجام دادن	سطح معنی داری
	ظاهری گاه گاهی عمل واجب را انجام می دهد.	حتی المقدور انجام می دهد.	کاملاً انجام، و تا حدودی اعمال مستحب را انجام می دهد.	و ترک محرمات	عمل واجب و ترک مکروهات	عمل دینی مخلصانه و کامل	
میانگین	۲/۹	۲/۶	۲/۸	۲/۵	۱/۴	۰/۹	۰/۰۴
دختر	۲/۹	۲/۶	۲/۸	۲/۵	۱/۴	۰/۹	۰/۰۴
پسر	۲/۱	۲/۲	۲/۴	۲/۷	۱/۲	۰/۶	۰/۰۴

نتایج جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که بررسی میزان عمل به دین در سطوح مختلف بین دانش آموزان نسبت به موارد اولیه رفتار دینی در حد متوسط هستند و در بقیه موارد تا حد میانگین فاصله دارند. آزمون خی دو نشان‌دهنده این است که در همه موارد دخترها در مقایسه با پسرها در وضعیت بهتری هستند که به دلیل مقدار Sig (دختر ۰/۰۴ و پسر ۰/۰۴) تفاوت بین دختران و پسران معنادار است؛ اگر چه این تفاوت بسیار اندک است.

۲ - ارتباط راهبردهای یاددهی - یادگیری با عوامل تدین چگونه است؟

در پاسخ به این سؤال ابتدا به داده های توصیفی، میزان همبستگی و ارتباط با عوامل تدین، ضرایب همبستگی درونی بین راهبردهای یاددهی - یادگیری اشاره، و سپس تحلیل کواریانس برای پیش بینی ابعاد اعتقادی، تجربه، الزام درونی و عمل بیان می شود.

جدول ۵ - داده‌های توصیفی پژوهش شامل آماره های گرایش مرکزی و پراکنندگی

انحراف معیار	میانگین	بیشینه	کمینه	تعداد	آماره ها متغیرهای پژوهش
۵/۹	۴۱/۳	۵۲	۲۷	۲۴۵	راهبردهای پردازشی
۵/۱	۳۷/۸	۶۶	۲۶	۲۴۵	راهبردهای فردی
۴/۶	۴۴/۲	۵۴	۳۳	۲۴۵	راهبردهای نمایشی
۵/۸	۴۷/۷	۵۹	۲۸	۲۴۵	راهبردهای اجتماعی
۵/۹	۴۶/۴	۴۰	۱۵	۲۴۵	عامل اعتقادی
۳/۲	۴۷/۹	۳۶	۲۰	۲۴۵	عامل تجربه درونی
۴/۵	۴۶/۵	۳۷	۱۵	۲۴۵	عامل الزام درونی
۴/۶	۴۷/۱	۱۵	۳	۲۴۵	عامل عمل

نتایج جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که بیشترین میانگین میان راهبردهای مورد نظر به راهبردهای اجتماعی (۴۷/۷) و راهبردهای نمایشی (۴۴/۲) مربوط و بین عوامل تدین، بیشترین میانگین به عامل تجربه درونی مربوط است که (۴۷/۹) و عامل عمل (۴۷/۱) است ولیکن دو مقوله تا حد میانگین (متوسط ۵۰) فاصله دارد.

جدول ۶ - میزان همبستگی و ارتباط راهبردها با عوامل تدین

عمل	الزام درونی	تجربه درونی	اعتقادی	ضریب همبستگی	متغیرهای پژوهش
۰/۲۷	۰/۲۶	۰/۱۴	۰/۲۱	ضریب همبستگی	راهبردهای پردازشی
*۰/۰۰	* ۰/۰۰	* ۰/۰۰	* ۰/۰۰	P	
۰/۲۶	۰/۲۳	۰/۱۶	۰/۲۴	ضریب همبستگی	راهبردهای فردی
*۰/۰۴	۰/۰۶	۰/۰۸	* ۰/۰۰	P	
۰/۱۵	۰/۱۳	۰/۱۶	۰/۲۰	ضریب همبستگی	راهبردهای نمایشی
۰/۵۷	* ۰/۰۴	۰/۱۳	* ۰/۰۴	P	
۰/۲۸	۰/۲۳	۰/۰۶	۰/۳۱	ضریب همبستگی	راهبردهای اجتماعی
* ۰/۰۰	* ۰/۰۰	۰/۳۰	* ۰/۰۰	P	

نتایج جدول شماره (۶) بیانگر همبستگی بین راهبردهای پردازشی، فردی، نمایشی و اجتماعی با عوامل تدین (اعتقادی، تجربه، الزام درونی و عمل) است به صورتی که راهبردهای پردازشی با چهار عامل تدین دارای همبستگی و ارتباط معنی دار است؛ بدین صورت که راهبردهای پردازشی با ضریب همبستگی (۰/۲۱) و مقدار ($p = ۰۰/۰$) با عامل اعتقادی همبستگی و رابطه معنی دار دارد. عامل تجربه درونی با ضریب همبستگی (۰/۱۴) و مقدار ($p = ۰۰/۰$) با راهبردهای پردازشی دارای همبستگی و ارتباط معنی دار است و عامل الزام درونی با ضریب همبستگی (۰/۲۶) و مقدار ($p = ۰۰/۰$) با راهبردهای پردازشی همبستگی و ارتباط معنی دار دارد و هم چنین عامل عمل با ضریب همبستگی (۰/۲۷) و مقدار ($p = ۰۰/۰$) با راهبردهای پردازشی دارای همبستگی و ارتباط معنی دار است.

در راهبردهای فردی تنها در دو عامل یعنی اعتقادی با توجه به مقدار ($p = ۰۰/۰$) و ضریب همبستگی (۰/۲۴) و عامل عمل با توجه به مقدار ($p = ۰/۰۴$) و ضریب همبستگی (۰/۲۶) ارتباط معنی دار دارد و در دو عامل دیگر یعنی تجربه و الزام درونی با توجه به مقدار p (۰/۰۶ و ۰/۰۸) ارتباط معنی داری وجود ندارد؛ هم چنین بین راهبردهای نمایشی و عوامل تدین در دو مورد همبستگی و ارتباط معنی دار وجود دارد؛ یعنی راهبردهای نمایشی با عامل اعتقادی دارای ضریب همبستگی (۰/۲۰) و ارتباط معنی دار (۰/۰۴) و هم چنین با عامل الزام درونی دارای ضریب همبستگی (۰/۱۳) و ارتباط معنی دار (۰/۰۴) است؛ اما با عامل تجربه و عمل با توجه به مقدار P به دست آمده (۰/۵۷ و ۰/۱۳) ارتباط معناداری وجود ندارد.

در پایان، بین راهبردهای اجتماعی و عوامل تدین در سه مورد همبستگی و ارتباط معنی دار وجود دارد به صورتی که عامل اعتقادی با ضریب همبستگی (۰/۳۱) و مقدار ($p = ۰۰/۰$)، عامل الزام درونی با ضریب همبستگی (۰/۲۳) و مقدار ($p = ۰۰/۰$) و عامل عمل با ضریب همبستگی (28/0) و مقدار ($p = ۰۰/۰$) با راهبردهای اجتماعی دارای همبستگی و ارتباط معنی دار است؛ اما همبستگی معناداری بین راهبردهای اجتماعی و تجربه با توجه به p به دست آمده (30/0) وجود ندارد. بنابراین با توجه به نتایج جدول، راهبردهای پردازشی، اجتماعی و فردی در جهت آموزش و یاددهی آموزه های دینی به دانش آموزان از اهمیت و وضعیت بهتری برخوردار است.

جدول ۷ - ضرایب همبستگی درونی بین راهبردهای یاددهی - یادگیری و عوامل تدین

متغیرهای پژوهش	اعتقادی	تجربه درونی	الزام درونی	عمل
راهبردهای	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۲۷
پرداشی	p	*۰/۰۱	*۰/۰۱	*۰/۰۰
راهبردهای	۰/۲۱	۰/۲۱	۰/۰۶	۰/۱۹
فردی	p	*۰/۰۱	۰/۴۱	*۰/۰۱
راهبردهای	۰/۱۲	۰/۲۲	۰/۱۳	۰/۱۵
نمایشی	p	*۰/۰۱	۰/۱۳	*۰/۰۲
راهبردهای	۰/۱۹	۰/۲۴	۰/۱۸	۰/۱۸
اجتماعی	p	*۰/۰۱	۰/۳۲	*۰/۰۲

مطابق نتایج جدول شماره ۷ همبستگی درونی بین راهبردهای یاددهی - یادگیری و عوامل تدین وجود دارد به صورتی که راهبردهای پرداشی با ضریب همبستگی (۰/۲۲) و مقدار (p = ۰۰/۰) با عامل اعتقادی دارای همبستگی و رابطه معنی دار است. عامل تجربه درونی با ضریب همبستگی (۲۲/۰) و مقدار (p = ۰۱/۰) با راهبردهای پرداشی دارای همبستگی و ارتباط معنی دار است. عامل الزام درونی با ضریب همبستگی (۰/۲۱) و مقدار (p = ۰/۰۱) با راهبردهای پرداشی دارای همبستگی و ارتباط معنی دار است و هم چنین عالم عمل با ضریب همبستگی (۰/۲۷) و مقدار (p = ۰۰/۰) با راهبردهای پرداشی دارای همبستگی و ارتباط معنی دار است. در راهبردهای فردی در سه عامل یعنی اعتقادی با توجه به مقدار (p = ۰۱/۰) و ضریب همبستگی (۰/۲۱) عامل تجربه درونی با توجه به مقدار (p = ۰/۰۱) و ضریب همبستگی (۰/۲۱) و عامل عمل با توجه به مقدار (p = ۰۱/۰) و ضریب همبستگی (۰/۱۹) ارتباط معنی دار دارد و در عامل الزام درونی با توجه به مقدار p بدست آمده (۰/۴۱) ارتباط معنی داری وجود ندارد. بین راهبردهای نمایشی و عوامل تدین در دو مورد همبستگی و ارتباط معنی دار وجود دارد؛ یعنی راهبردهای نمایشی با عامل تجربه درونی دارای ضریب همبستگی (۰/۲۲) و ارتباط معنی دار (۰/۰۱) و هم چنین با عامل عمل دارای ضریب همبستگی (۰/۱۵) و ارتباط معنی دار (۰/۰۲) است؛ اما با عامل اعتقادی و الزام درونی با توجه به مقدار P به دست آمده (۰/۱۴ و ۰/۱۳) ارتباط

معناداری وجود ندارد.

بین راهبردهای اجتماعی و عوامل تدین در سه مورد همبستگی و ارتباط معنی دار وجود دارد به صورتی که عامل اعتقادی با ضریب همبستگی (۰/۱۹) و مقدار ($p = ۰۱/۰$)، عامل تجربه درونی با ضریب همبستگی (۰/۲۴) و مقدار ($p = ۰۱/۰$) و عامل عمل با ضریب همبستگی (۰/۱۸) و مقدار ($p = ۰۲/۰$) با راهبردهای اجتماعی دارای همبستگی و ارتباط معنی دار است؛ اما همبستگی معناداری بین راهبردهای اجتماعی و الزام درونی با توجه به مقدار p به دست آمده (۰/۳۲) وجود ندارد. بنابراین با توجه به نتایج جدول، راهبردهای پردازشی، فردی و اجتماعی در جهت آموزش و یاددهی آموزه های دینی به دانش آموزان از اهمیت و وضعیت بهتری برخوردار است.

جدول ۸ - تحلیل واریانس برای پیش بینی عوامل اعتقادی، تجربه درونی، الزام درونی و عمل

p	F	انحراف معیار	R2	R	راهبرد	
					عوامل	
۰/۰۰	۹۴/۱۶	۶۰/۵	۲۹/۰	۳۱/۰	راهبردهای اجتماعی	اعتقادی
۰/۰۰	۸۲/۱۱	۴۹/۵	۲۳/۰	۳۷/۰	راهبردهای فردی	
۰/۰۴	۸۶/۳	۲۷/۳	۲۶/۰	۱۷/۰	راهبردهای فردی	تجربه درونی
۰/۰۰	۱۱/۱۰	۳۷/۴	۲۶/۰	۲۶/۰	راهبردهای اجتماعی	الزام درونی
۰/۰۰	۱۷/۱۱	۲۵/۴	۲۳/۰	۳۷/۰	راهبردهای پردازشی	
۰/۰۰	۷۱/۱۰	۴۵/۲	۲۶/۰	۲۷/۰	راهبردهای پردازشی	عمل
۰/۰۰	۰۶/۱۰	۲۳/۰	۲۲/۰	۳۴/۰	راهبردهای فردی	

نتایج جدول شماره ۸ به این نکته اشاره می کند که راهبردهای اجتماعی و فردی با توجه به مقدار F به دست آمده (۹۴/۱۶ و ۸۲/۱۱) و هم چنین p (۰/۰۰ و ۰/۰۰) با بعد اعتقادی رابطه معنی دار دارد و عامل اعتقادی را به میزان (۰/۲۹ و ۰/۲۳) پیش بینی می کند. هم چنین راهبرد فردی با توجه به مقدار F به دست آمده (۸۶/۳) و p (۰/۰۴) با تجربه درونی ارتباط معنی دار دارد و بعد تجربه درونی را به میزان (۰/۲۶) پیش بینی می کند. راهبردهای اجتماعی و پردازشی با توجه به مقدار F به دست آمده (۱۱/۱۰ و ۱۷/۱۱) و میزان p ارائه شده (۰/۰۰ و ۰/۰۰) با بعد الزام درونی رابطه معنی دار دارد و عامل الزام درونی را به میزان (۲۶/۰ و ۳۷/۰) پیش بینی می کند. و

راهبردهای پردازشی و فردی با توجه به مقدار f به دست آمده (۷۱/۱۰ و ۰۶/۱۰) و p ارائه شده برابر با (۰۰/۰ و ۰۰/۰) با عامل عمل ارتباط معنی دار دارد و عامل عمل را به میزان (۲۶/۰ و ۲۲/۰) پیش بینی می کند.

بحث و نتیجه گیری

آموزش و انتقال صحیح مفاهیم دینی و تعمیق باورهای دینی در دانش آموزان یکی از موضوعات و مباحث مهم در نظام آموزش و پرورش است. تمام رفتارهای اجتماعی و فرهنگی ما در این جامعه تحت تأثیر دین اسلام است. به همین دلیل تمام دستگاه‌های آموزش دهنده باید تلاش خود را در جهت همسو کردن با فلسفه زیربنایی اسلام برنامه‌ریزی کنند؛ بنابراین در صورتی که در نظام آموزشی، انتقال مفاهیم و باورهای دینی به نسل جدید نوجوانان و جوانان کوتاهی صورت گیرد در آینده‌ای نزدیک، افراد متعهد و مذهبی کمتر می‌شوند و نسل آینده‌ای بدون تعصب و بینش صحیح نسبت به فرهنگ اسلامی خواهیم داشت. در نتیجه آشناسازی و به کارگیری روشهای نوین در تربیت دینی در نظام آموزشی می‌تواند کمک شایانی در جلوگیری از تحقق چنین امری بنماید. پس، تربیت دینی نوجوانان و جوانان با روشها و شیوه‌های نوین باید سرلوحه امور فرهنگی - مذهبی در نظام آموزشی به طور اعم و مدارس به طور اخص قرار گیرد. بنابراین، هدف این پژوهش، بررسی رابطه راهبردهای یاددهی - یادگیری با پایبندی جوانان نسبت به انجام دادن عمل دینی و تدین بود که این سؤال به چند هدف جزئی تقسیم شد. پژوهشگران به منظور رسیدن به اهداف و پاسخ دادن به سؤالات، ابتدا در پی پاسخ به این سؤال بودند که میزان تقید جوانان را نسبت به احکام دینی مشخص کنند؛ سپس ارتباط آن را با راهبردهای انگیزشی و یاددهی - یادگیری بسنجند و نهایتاً پس از بررسی این ارتباط با زمینه‌یابی یک تحقیق کیفی، نظر مربیان را در این مورد جویا شوند؛ لذا نمونه‌ای از جامعه دانش آموزان دختر و پسر دبیرستان، که به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند، مشخص، و بررسیهای لازم بر روی آنان انجام شد. بررسی اولیه، که با توجه به میزان سواد دینی دختر و پسر، درک و فهم آنان از مسائل، میزان علاقه و عمل دینی آنان انجام گرفت بر چهار عامل متمرکز شد که در عامل اول یعنی اعتقادی - فکری که با درک معارف دینی ارتباط داشت، تمرکز بر شناخت دانش آموزان از آموزه های مذهبی بود. عامل دوم،

تجربه درونی است که بیشتر با عواطف و علاقه‌مندی نسبت به مذهب ارتباط داشت، میزان علاقه و عشق فرد نسبت به مسائل مذهبی سنجیده می‌شد و در عامل سوم، الزام درونی است که با مسئله‌گزینش و انتخاب و ایمان همراه بود، ملاکها و معیارهای آنان برای اجرای عمل دینی و انتخاب آنان پرسیده شد و چهارم در عامل عمل که انجام دادن واجبات و ترک محرمات را می‌رساند، وضعیت عمل دینی و واجبات، پرسش شد. نمره سه به عنوان میانگین برای پاسخ دهندگان دختر و پسر در نظر گرفته شد که پس از تجزیه و تحلیل، سطح درک آنان از حالت سطحی تا درک عمیق مشخص شد.

بنابراین نتایج در مورد پاسخ به سؤال اول در این زمینه که وضعیت موجود دانش آموزان دبیرستانهای شهر اصفهان در عوامل تدین چگونه است، نتایج ذیل به دست آمد:

نتایج جدول شماره ۱ در مورد سؤال اول، وضعیت موجود دانش آموزان دبیرستانهای شهر اصفهان در عوامل اعتقادی چگونه است، بیانگر این نکته است که تفاوت معنی داری بین دختران و پسران در مقوله اعتقادی وجود دارد. نتایج آزمون خی دو، نشان‌دهنده این است که سطح معناداری برای پسران در حد $\text{sig} = 0/76$ و برای دختران در حد $\text{sig} = 0/03$ است. نتایج حاکی است که توزیع نمره‌های دختران در پنج سطح مورد نظر متفاوت، و در بین پسران تمام سطوح یکسان است؛ به عبارت دیگر تفاوت دختران در مقولات پنج‌گانه معنادار است بدین معنی که دختران در مقولات فهم، تجزیه و ترکیب از دیگر موارد قوی‌تر هستند و بهتر عمل می‌کنند. این درحالی است که پسران در مقوله‌های گوناگون تفاوت معناداری ندارند.

نتایج جدول شماره ۲ در رابطه با سؤال اول، وضعیت موجود دانش آموزان دبیرستانهای شهر اصفهان در عامل تجربه درونی چگونه است، بیانگر این است که دیدگاه بیشتر دانش آموزان به سمت وضعیت ضعیف (۳۸٪) و متوسط (۲۷٪) است که تا حد مطلوب فاصله زیاد دارد. بنابراین، میزان تحقق تجربه دینی بین دانش آموزان رضایت بخش و قابل قبول نیست. بنابراین چنین نتایجی می‌تواند پیام معنی داری را در مورد علاقه و عشق دانش آموزان بویژه دانش آموزان مقطع متوسطه به مسائل دینی - مذهبی داشته باشد؛ به عبارت دیگر با توجه به عصر جدید و وجود کانالها و شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای، سایتهای اینترنتی و بسیاری از عوامل دیگر که در جهت تضعیف عقاید دینی و مذهبی جوانان فعالیت می‌کنند و خواهان از بین بردن یا کمرنگ کردن آن بویژه بین جوانان ایران اسلامی هستند، مسئولان و برنامه ریزان نظام آموزشی و هم چنین والدین را در این

رابطه با مسئولیت سنگینی رو به رو می‌سازد. در واقع والدین، مدیران و برنامه ریزان نظام آموزشی باید بتوانند برای رویارویی با چنین اقداماتی، تدابیر و فعالیتهای خردمندانه و منطقی به کار گیرند تا از بروز مشکلات گوناگون که می‌تواند در این زمینه برای جوانان کشور به وجود آید، جلوگیری به عمل آورند.

نتایج جدول شماره ۳ در مورد سؤال اول، وضعیت موجود دانش آموزان دبیرستانهای شهر اصفهان در عوامل الزام درونی چگونه است بیانگر این است که دیدگاه بیشتر دانش آموزان به سمت وضعیت ضعیف (۳۷٪) و متوسط (۲۶٪) است که تا حد مطلوب فاصله زیاد دارد؛ به عبارت دیگر میزان تحقق الزام دینی بین دانش آموزان غیر قابل قبول است. بنابراین در مورد عوامل الزام درونی نیز می‌توان به نکاتی که در عوامل تجربه درونی بدان اشاره شد، تأکید کرد و آنها را مد نظر قرار داد.

نتایج جدول شماره ۴ در مورد سؤال اول، وضعیت موجود دانش آموزان دبیرستانهای شهر اصفهان در عامل عمل چگونه است، بیانگر این است که بررسی میزان عمل به دین در سطوح مختلف بین دانش آموزان (دختر و پسر) نسبت به موارد اولیه رفتار دینی در حد متوسط هستند اما در سطح انجام دادن عمل دینی مخلصانه و کامل تا حد میانگین فاصله بسیار زیادی دارند؛ به عبارت دیگر با توجه به گستردگی فعالیتهای شبکه‌های ماهواره‌ای در جهت کمرنگ کردن فعالیتهای دینی در سطح جامعه به طور اعم و در سطح خانواده به طور اخص در کشور جوان ما در صورتی که همان طور که بدان اشاره شد، اقدامات پیشگیرانه و تقویتی در سطح خانواده و نظام آموزشی انجام نگیرد، به دست آمدن چنین نتایجی در سطح نظام آموزشی کل کشور (آموزش و پرورش و آموزش عالی) در آینده ای نه چندان دور، دور از انتظار نیست؛ علاوه بر این، آزمون‌های دو نشاندهنده این است که در همه موارد دخترها در مقایسه با پسرها در وضعیت بهتری هستند که به دلیل مقدار sig (دختر ۰/۰۴ و پسر ۰/۰۴) تفاوت بین دختران و پسران معنادار است؛ اگر چه این تفاوت بسیار اندک است. بنابراین، نظام آموزشی در مورد پرورش و تقویت عوامل مورد نظر (اعتقادی، تجربه درونی، الزام درونی و عمل) باید کمال حساسیت را از خود نشان دهد.

در پاسخ به سؤال دوم در این زمینه، که ارتباط و میزان اثرگذاری راهبردهای یاددهی -

یادگیری بر عوامل تدین چگونه است، نتایج ذیل به دست آمد:

نتایج جدول شماره ۵ بیانگر این است که بیشترین میانگین میان راهبردهای مورد نظر به

راهبردهای اجتماعی (۴۷/۷) و راهبردهای نمایشی (۴۴/۲) و بین عوامل تدین، بیشترین میانگین به تجربه درونی (۴۷/۹) و عامل عمل (۴۷/۱) مربوط است لیکن دو مقوله تا حد میانگین (متوسط ۵۰) فاصله دارند؛ هم چنین، نتایج جدول شماره ۶ بیانگر این است که راهبردهای پردازشی، اجتماعی و فردی در جهت آموزش و یاددهی آموزه های دینی به دانش آموزان از اهمیت و وضعیت بهتری برخوردار است. در نتیجه، مربیان و معلمان آموزش و پرورش برای دانش آموزان باید زمینه‌هایی را فراهم کنند تا آنان بتوانند درکی درست و منطقی نسبت به رفتار دینی داشته باشند و فردی و اجتماعی بدان پردازند. علاوه بر این، مطابق با نتایج جدول شماره ۷، همبستگی درونی بین راهبردهای یاددهی - یادگیری و عوامل تدین وجود دارد به صورتی که نتایج حاکی است که راهبردهای پردازشی، فردی و اجتماعی در جهت آموزش و یاددهی آموزه های دینی به دانش آموزان از اهمیت و وضعیت بهتری برخوردار است. و نتایج جدول شماره ۸، که تحلیل واریانس برای پیش بینی عوامل اعتقادی، تجربه درونی، الزام درونی و عمل است، بیانگر این است که راهبردهای اجتماعی و فردی با عامل اعتقادی، راهبرد فردی با عامل تجربه درونی، راهبردهای اجتماعی و پردازشی با عامل الزام درونی و هم چنین راهبردهای پردازشی و فردی با عامل عمل ارتباط معنی دار دارد و عوامل مورد نظر را پیش بینی می کنند به صورتی که راهبردهای اجتماعی بین راهبردهای مورد نظر ($R^2 = 29$) در عامل اعتقادی بیشترین قدرت پیش بینی را نشان می دهد. لذا با توجه به نتایج پیشنهاد می شود:

- ۱ - برای افزایش عامل اعتقادی در جنبه شناختی تشکیل کارگاه‌های آموزشی، رشد تفکر دینی، پاسخگویی به سؤالات، شبهه ها و انتقال مفاهیم به شیوه پردازش اطلاعات مهم است.
- ۲ - تشکیل اردوهای مناسب اصولی در جهت ایجاد شور و عشق به مبانی دینی به منظور افزایش تجربه درونی مهم است.
- ۳ - رضامندی از اجرای عمل دینی مهم است و آن وقتی ایجاد می شود که دانش آموز به فهم دینی همراه با رغبت و گزینش صحیح رسیده باشد مبتنی بر اینکه سامانه‌های پاداشی این مسائل را تقویت کند.
- ۴ - برنامه ریزی مناسب و اصولی در جهت الگودهی و ایجاد وضعیت سالم ارتباطی و به کارگیری ابزارهای ارتباطی مفید برای رشد دینداری مهم است.
- ۵ - استفاده از تشکیلات دینی و خیریه های دینی به منظور ایجاد شوق به شناخت و اجرای

اعمال دینی و رشد تفکر انتقادی به منظور گزینش و انتخاب تدین همراه با ملاکهای قابل قبول و مستدل انجام پذیرد؛ به عبارت دیگر مراکز آموزشی باید چگونگی انتخاب گزینه درست آموزه‌های دینی را به دانش آموزان یاد دهند.

۶- بهینه سازی مراکز، سازمانها و نهادهای دینی در اثربخشی عملکرد دینی جوانان

۷- تأکید بر بعد شناختی، مناسکی و عشق دینی در ایجاد تدین از طرف دست اندرکاران

۸- تأکید بر آسیبهای تربیت دینی و شناخت این آسیبها و جدا کردن دین از دینداری افراد

منابع فارسی

- باقری، خسرو (۱۳۸۴). نگاهی به تربیت اسلامی. ج ۲. تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو (۱۳۸۰). نگاهی به تربیت اسلامی. ج ۱. تهران: انتشارات مدرسه.
- بختیار نصرآبادی حسنعلی؛ نوروزی، رضا علی (۱۳۸۲). راهبردهای جدید آموزشی در هزاره سوم. قم: انتشارات مؤسسه فرهنگی سماء.
- تقوی نسب، سیده نجمه؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم (۱۳۸۸). درآمدی بر نقش عوامل موثر بر نوآوری در تربیت دینی. ماهنامه معرفت. ش ۱۴۱.
- تقوی نسب، نجمه؛ میرشاه جعفری، ابراهیم؛ نجفی، محمد (۱۳۸۸). ضرورت نوآوری در روش های تربیت دینی از منظر مبانی علمی، دینی و فلسفی. فصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی. س ۴. ش ۹.
- جویس، بروس؛ ویل، مارشا؛ امیلی، کالهن (۲۰۰۴). الگوهای جدید تدریس. ترجمه محمد رضا بهرنگی. (۱۳۸۹). چ ششم. تهران: نشر کمال تربیت.
- خنیفی، حسین (۱۳۸۰). درآمدی بر اصول پیشگیری از آسیبهای تربیت دینی. تربیت اسلامی. کتاب ششم.
- داوودی، محمد (۱۳۸۶). نقش معلم در تربیت دینی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- رهنما، اکبر؛ طباطبایی، فرزانه؛ علیین، حمیده (۱۳۸۵). آسیب شناسی تربیت دینی دانش آموزان از دیدگاه مدیران مدارس راهنمایی شهر تهران. دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد (دانشور رفتار). س سیزدهم. دوره جدید. ش ۲۱.
- سعیدی رضوی، محمد (۱۳۸۰). تبیین برنامه درسی پنهان در درس بینش اسلامی در دوره متوسطه و ارائه راهبردهایی برای استفاده از این برنامه در آموزش اثربخش دینی. پایان نامه دکتری دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم. تهران: دانشکده تربیت معلم.
- سیلور، جی گالن؛ الکساندر، ویلیام (۱۳۸۰). برنامه ریزی درسی برای تدوین و یادگیری بهتر. ترجمه غلامرضا خوی نژاد. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- شاطریان محمدی، فاطمه؛ عینی، زهرا (۱۳۸۵). بررسی فراتحلیل عوامل مؤثر بر موقعیت دبیران دینی در جلب

علاقه مندی دانش آموزان به این درس. فصلنامه پژوهشهای تربیت اسلامی. ش ۳.

شاه محمدی، نرگس (۱۳۷۹). بررسی تأثیر تلویزیونی، خاص نوجوانان؛ بر روی ارزشهای دینی آنان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.

شریف زاده، حکیمه السادات (۱۳۹۱). تلویزیون و تربیت دینی کودکان. پژوهش نامه تربیت تبلیغی. ش ۲.

شمشیری، بابک (۱۳۸۷). جهانی شدن و تربیت دینی از منظر مدرنیسم، پست مدرنیسم و عرفان اسلامی. دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد. س پانزدهم. دوره جدید. ش ۳۰.

علی اکبر (۱۳۸۲). نگاهی به پدیده گسست نسل ها. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

معمدی، زهرا (۱۳۷۳). رفتار با نوجوانان. تهران: انتشارات لک لک.

منابع انگلیسی

- Ananymees (2010). Teaching Tajweed, Malaysian Business: 14.
- Arnold, J. (1998) Works psychology (3rd ed.), London: Financial Times/ Pitman publication.
- Berg, C. A (1992). Perspectives for viewing intellectual development throughout the life course. In R. J. Sternberg & C. A. Berg (Eds), Intellectual development (pp. 1-15) Cambridge University Press, pp. 3.
- Branas-Garza, P., Neumanns., (2003). Analysing religiosity within an economic framework the case of Spanish Catholics. IZA Discussion Paper Number 868.
- Emami Rizi, C; Najafipour, M; Mirshah Jafari, E (2013). The Effect of the Active Teaching Method on the Academic Achievement in the Religious Concepts, Procedia - Social and Behavioral Sciences, Volume 83, 4 July 2013, Pages 204-207
- Gholami, A., Maleki, H & Emami Rizi, C. (2011). Studying the effectiveness degree of active teaching methods on religious and moral education of students at fifth grade of primary school in Shiraz from teachers point of view. Social and Behavioral Sciences, N; 15, pp: 2132-2136.
- Griffin, W; Kelsey, C. (2001). Effect of an adventure - based program with an explicit spiritual component on the spiritual growth of adolescents. The University of New Mexico: 30624450.
- Ham, Y; Eguizabal, O. (2010). An exploratory study of the relationship between learning styles and religious motivation among Presbyterian church adolescents in South Korea. Talbot School of Theology, Biola University: 344-371.
- Handerson, B. (2003). Teaching in and out of the box pathways: the Ontario Journal of Outdoor Education: V15. P. 4-11 sum.
- Hodge, D. R; Derezotes, D. (2008). Postmodernism and Spirituality: pedagogical implications for teaching content on Spirituality. Journal of Social Work Education 44. 1: 103-123.
- Holt, R. (2010). An analysis of contemporary adult learning theories and the implications for teaching in the local church for spiritual maturity. Talbot School of Theology, Biola University: 3431780.
- Mcsky, T. Hoppey, D., Williamson, P., & Rentz, T. (2004). Is inclusion and illusion An examination of national and state trends toward the education of students with learning disabilities in general education classrooms. Learning Disabilities Research and Practice.
- Miller, J. G. (1995). Culture, context, and personal agency: The cultural grounding of self and morality. Paper presented at the meeting of the Society for Research in Child Development, Indianapolis.